

نگرش فلسفی - ۸

نگارش

رضا طاهری

زیباشناسی در
هرمنوتیک گادامر

نشر نگاه معاصر

فهرست مطالب

- ☆ پیشگفتار ۷
- فصل اول: شمایی کلی از جایگاه هنر و زیباشناسی در تفکر گادامر ۱۱
- فصل دوم: فراروی از بعد زیباشناختی ۲۳
۱. اهمیت سنت اومانیستی برای علوم انسانی ۲۳
- الف) مسئله روش ۲۳
- ب) مفاهیم کلیدی اومانیستی ۲۸
- ب. ۱) فرهنگ ۲۹
- ب. ۲) حس مشترک ۳۶
- ب. ۳) قوه حکم ۴۳
- ب. ۴) ذوق ۴۶
۲. سوپژکتیو کردن زیباشناسی از ناحیه نقادی کانت ۵۲
- الف) ذوق و نابغه ۵۲
- ب) زیباشناسی نابغه و مفهوم تجربه ۶۲
- ج) حقیقت هنری ۷۰
- فصل سوم: هستی‌شناسی اثر هنری و اهمیت آن به لحاظ تفسیر ۸۳
۱. بازی، راهنمایی برای تبیین هستی‌شناختی ۸۳
- الف) مفهوم بازی ۸۳

- ب) انقلاب به سازه هنری ۹۴
- ج) زمانمندی اثر هنری ۱۰۲
- د) مثال تراژدی ۱۰۵
۲. نتایج زیباشناختی تفسیری ۱۱۰
- الف) مرتبت وجودی تفسیر ۱۱۰
- ب) اساس هستی‌شناختی هنرهای اقترانی و تزینی ۱۱۸
- ج) موقعیت مرزی ادبیات ۱۲۴
- د) نسبت هرمنوتیک و هنر ۱۲۸
- ☆ منابع ۱۳۳
- ☆ نمایه ۱۳۵

پیشگفتار

هانس-گئورگ گادامر^۱ فوریه ۱۹۰۰ میلادی در شهر ماربورگ^۲ آلمان به دنیا آمد. در دانشگاه همین شهر و نزد دو فیلسوف نوکانتی، پل ناتورپ^۳ و نیکولای هارتمان^۴، فلسفه خواند. پس از آن به دانشگاه فرایبورگ^۵ رفت و زیر نظر مارتین هایدگر^۶ جوان و نه‌چندان مشهور به تحصیلاتش ادامه داد. زمانی که هایدگر به دانشگاه ماربورگ عزیمت کرد، او نیز راهی آنجا شد و در کنار کسانی همچون هانا آرنت^۷، لئو اشتروس^۸ و کارل لویت^۹ به پیگیری درس‌های هایدگر پرداخت. در آغاز دهه ۳۰ به تدریس در دانشگاه ماربورگ اشتغال یافت و حدود بیست سال بعد جانشین کارل یاسپرس^{۱۰} در دانشگاه هایدلبرگ^{۱۱} شد. این کرسی تا به هنگام مرگش در سال ۲۰۰۲ همچنان به نام او باقی ماند.^{۱۲}

گادامر در شصت‌سالگی مهمترین اثرش و یکی از برجسته‌ترین آثار فلسفی قرن بیستم به نام حقیقت و روش^{۱۳} را به رشته تحریر درآورد؛ اثری که بنیان‌های

- | | | |
|-----------------------|------------------------|---------------------|
| 1. Hans-Georg Gadamer | 2. Marburg | 3. Paul Natorp |
| 4. Nicolai Hartmann | 5. Freiburg University | 6. Martin Heidegger |
| 7. Hanna Arendt | 8. Leo Strauss | 9. Karl Lowith |
| 10. Karl Jaspers | 11. Heidelberg | |

۱۲. برای مطالعه زندگی و فراز و نشیب‌های فلسفی گادامر رجوع شود به:

Grondin, Jean, 2003, *Hans-Georg Gadamer: A Biography*, translated by Joel Weinsheimer, Yale University Press.

۱۳. *Truth and Method*. «و» در عنوان حقیقت و روش در واقع حرف فصل است و نه عامل ربط. همچنان‌که در صفحات پیش رو خواهیم دید، عنوان کتاب تأکیدی ضمنی بر انفصال حقیقت از روش است.

نظری آن ریشه در برخی از اندیشه‌های هایدگر در کتاب‌های هستی و زمان^۱ و سرمنشاء اثر هنری^۲ داشت.

جوهره اندیشه‌های گادامر در زمینه هنر و زیباشناسی را در نخستین بخش از همین کتاب می‌توان یافت. گادامر در این بخش به پیروی از برخی فیلسوفان مدرن در پی طرح یک زیباشناسی^۳ جدید و یا تأسیس یک فلسفه هنر نیست، بلکه او از طرح این مباحث غایتی وسیع‌تر را دنبال می‌کند. هدف اصلی او تبیین حقیقت فهم و به عبارت دقیق‌تر هستی‌شناسی فهم در تجربیات وسیع و متنوع انسان از جهان است. البته چنین چیزی به معنای کوچک شمردن شأن هنر و یا طفیلی و فرعی پنداشتن مباحث مربوط به آن نیست. گرچه گادامر قصد پی‌افکنی یک دستگاه زیباشناختی یا فلسفه هنر مستقل را ندارد، با این حال، مباحث او در این زمینه را به جرأت می‌توان راهگشای بسیاری از تنگناها و بن‌بست‌های زیباشناسی جدید قلمداد کرد. هنر نزد او از جایگاهی که در زیباشناسی مدرن به عنوان امری فرعی و صرفاً زینتی و لذت‌بخش دارد فراتر می‌رود و در نسبت با معرفت و حقیقت مورد بحث قرار می‌گیرد. برای گادامر هنر و تجربه زیباشناختی گشایشی به جانب افقی و وسیع قلمداد می‌شود که اساس هستی‌شناسی فهم و بنیان تجربه هرمنوتیکی با اتکاء به آن نضج می‌گیرد. از همین‌رو جای شگفتی نیست که بخش نخست کتاب حقیقت و روش به طرح مسائل مربوط به هنر و زیباشناسی اختصاص یابد؛ بخشی که می‌توان آن را کلید درک بخش‌های دیگر این اثر و به طور کلی اندیشه‌های هرمنوتیکی گادامر به حساب آورد.

هدف اصلی نوشتار حاضر شرح و ایضاح اندیشه‌های گادامر در این بخش از حقیقت و روش است. با اینکه در قسمت‌هایی از این نوشتار بنا به اقتضا، از کتاب‌ها و مقالات مختلف این فیلسوف استفاده شده است، اما روال و حتی فصل‌بندی و عناوین جز در فصل آغازین تا حدود زیادی از الگوی حقیقت و روش پیروی می‌کند.

در فصل نخست کوشش شده تا چشم‌اندازی کلی از اندیشه‌های گادامر در خصوص زیباشناسی و هنر ارائه شود. در واقع این بخش در حکم نقشه

1. Being and Tim 2. The Origin of Work of Art
3. aesthetics

راهنمایی است که می‌تواند خواننده را در مواجهه با شیوه خاص گادامر در طرح مطالب - که اغلب به منظور تدقیق معانی و مفاهیم و یافتن سرچشمه‌های اصیل آنها، میان گذشته و حال در نوسان است - یاری رساند.

نقد گادامر از سیطره الگوی روشمند علوم تجربی در حوزه علوم انسانی و همچنین بررسی مفاهیم اومانیستی^۱ همچون فرهنگ^۲، حس مشترک^۳، قوه حکم^۴ و ذوق^۵ - که به نظر گادامر مفاهیمی راهگشا در تبیین ماهیت علوم انسانی هستند - بخش نخست از دومین فصل این نوشتار را به خود اختصاص داده است.

در بخش دوم از همین فصل خواهیم دید که گادامر ضمن نقد آراء کانت، تفسیری از اندیشه‌ها و مفاهیم کلیدی این فیلسوف در بحث زیباشناسی به دست می‌دهد که اساساً فراروی از زیباشناسی سوژه‌محور او را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

در بخش نخست از فصل سوم به این نکته خواهیم پرداخت که چگونه گادامر با استفاده از مفاهیمی همچون بازی^۶، سازه^۷، عید^۸ و تراژدی^۹ ضمن نقد سوژکتیویته و ابژکتیویته حاکم بر زیباشناسی جدید، به تبیین نحوه وجود اثر هنری و ارتباط آن با ماهیت تجربه هرمنوتیکی می‌پردازد.

در دومین بخش فصل سوم نیز ماهیت هستی‌شناسانه هنرهای تجسمی، هنرهای اقترانی^{۱۰} و تزینی^{۱۱} و همچنین ادبیات مورد کند و کاو قرار می‌گیرد. در بحث از ادبیات متوجه می‌شویم گادامر با توسع بخشیدن به مفهوم ادبیات و دایره شمول متن کوشش می‌کند علاوه بر هنر، کل تاریخ و فرهنگ را نیز ذیل آن بگنجانند. در این تلقی هر پدیده‌ای که حیثیت تاریخی دارد در برابر مخاطب همچون متنی جلوه‌گر می‌شود که او را به خواندن و تفهیم فرامی‌خواند. در بخش سوم این فصل که در واقع قسمت پایانی نوشتار حاضر نیز هست، نسبت هرمنوتیک^{۱۲} (تفسیر) با هنر و تجربه هنری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است اغلب نقل قول‌های گادامر در حقیقت و روش از ترجمه دست

1. humanistic 2. bildung (culture)
3. sensus communis (common sense) 4. judgment
5. taste 6. play 7. structure
8. festival 9. tragedy 10. occasional
11. decorative 12. hermeneutics